بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی تکدی‌گری در شهر بندرعباس از دیدگاه شهروندان

سیدرضا هاشمی‌زاده *
محسن بختیار**

تاریخ دریافت:۱۴۰۳/۰۱/۲۱
تاریخ پذیرش:۱۴۰۳/۰۸/۲۵

چکیده

تکدی‌گری یک پدیدۀ اجتماعی نوظهور نیست و قدمت آن به تاریخ شکل‌گیری انسان می‌رسد. یک آسیب اجتماعی شناخته شده که حاصل ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه و زاییدۀ فقر و نابرابری‌های اجتماعی است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر تکدی‌گری از دیدگاه شهروندان در شهر بندرعباس است. در این مقاله، رویارویی شهروندان با متکدیان براساس سه دیدگاه نظری کارکردگرایی، برچسب‌زنی (با تأکید بر نظریۀ زیمل) و ساختاربندی (گیدنز) تبیین شده‌است. روش پژوهش حاضر، توصیفی ـ همبستگی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری در این تحقیق شامل شهروندان بالای هیجده سال ساکن شهر بندرعباس است که با توجه به جامعۀ آماری و فرمول کوکران، ۴۸۳ نفر به عنوان نمونه آماری برای اجرای پژوهش انتخاب شدند. محقق برای دستیابی به اطلاعات موردنیاز از پرسشنامه استفاده کرد و در نهایت، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Spss تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که متغیرهای مشارکت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایۀ اجتماعی، سلامت اجتماعی، پایبندی دینی، مصرف رسانه‌ای و سبک زندگی با دیدگاه شهروندان به پدیدۀ تکدی‌گری رابطۀ معکوس و معنادار داشت، ولی از نظر شهروندان، متغیرهای احساس محرومیت اجتماعی و خرافه‌گرایی رابطۀ مستقیم و معناداری بر تکدی‌گری دارد.

کلیدواژه‌ها: تکدی‌گری، شهروندان بندرعباس، آسیب اجتماعی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، نابرابری اجتماعی.

*استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس و دکتری علوم ارتباطات اجتماعی. Manshad1385@yahoo.com
**دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس. B.Ostandari@gmail.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۱ـ مقدمه و بیان مسأله

نیاز به غذا، انرژی، آب، زمین برای سکونت‌گاه‌های انسانی، زیرساخت عمومی بهتر و امکانات رفاهی برای حداقل استاندارد زندگی همگی نتایج افزایش جمعیت است. به دلیل بیکاری گسترده و فقر در کشورها، مردم فقیر حتی نمی‌توانند نیازهای اساسی خود را برآورده کنند. در نتیجه، افراد فقیر و قشرهای پایین‌تر جامعه مجبور می‌شوند برای بقای خود گدایی کنند (Kumar, 2023: 15). حتی با وجود اینکه مسأله گدایی معمولاً قدیمی تلقی می‌شود، تعیین آغاز دقیق آن بسیار دشوار است. مطالعات متعددی نشان می‌دهد که تکدی‌گری در جوامع اولیه وجود نداشت، جایی که گروه‌های کوچک خویشاوند از یک‌دیگر حمایت می‌کردند. کمک‌های متقابل، به عنوان نوعی دفاع از خود و امنیت برای قبیله یا شاید کل جامعه عمل می‌کرد. بنابراین، گدایی یکی از مشکلات شهری است که در هر منطقهٔ شهری هر کشور به عنوان نقش سنتی کمک به یکدیگر قابل‌توجه است (Aynshet, 2017: 23). مردم در مناطق شهری بیشتر به انزوا تمایل دارند، دربارهٔ همسایه‌های خود اطلاع کمتری دارند و دربارهٔ مردمی که در سایر مناطق شهر زندگی می‌کنند خیلی کم اطلاع دارند یا هرگز اطلاعی ندارند. بنابراین، شناخت نیازهای افراد فقیر و آسیب‌پذیر مانند آن چیزی که در شهرها و جوامع کوچک‌تر انجام می‌شود، اجراپذیر نیست. از سوی دیگر، متکدیان می‌توانند در درخواست کمک ناشناس‌تر باشند و استقلال بیشتری داشته باشند، بدون اینکه مردم دربارهٔ آنها چیزی بدانند یا دربارهٔ آنها و خانواده‌هایشان ـ که ممکن است بتوانند به حمایت از آنها بپردازند یا به حمایت از آنها تمایل داشته باشند ـ قضاوت کنند (Nega, 2019: 46). با پیشرفت نسل‌ها، دنیا خود را به شیوهٔ مدرن، متمدن و شهرنشینی تغییر داد که مقررات مراقبت و حمایت از نیازمندان را از بین می‌برد. بنابراین، شیوهٔ مشترک زندگی و حمایت متقابل جایگزین فردگرایی می‌شود؛ به همین دلیل، گدایی یک مشکل شهری است. در بسیاری از مناطق شهری، گدایان در همه جا در فضاهای عمومی مانند خیابان‌ها، ایستگاه‌های شلوغ و پر رفت و آمد، رستوران‌ها، بانک‌ها، بازارها، مساجد و ... یافت می‌شوند (Seni, 2017: 122).

گدایان از زمان‌های بسیار دور در قشر پایین جامعه زندگی فلاکت‌باری داشتند. سیاست‌های دولتی یا خصوصی به ندرت برای بهبود زندگی این بخش اجتماعی مؤثر واقع می‌شود. گدایان از نظر اجتماعی طرد شده‌اند و گدایی به عنوان چالش اجتماعی در سراسر جهان و حتی بیشتر در کشورهای در حال توسعه تلقی می‌شود. گدایی به دلیل شرایط اجتماعی ـ اقتصادی ضعیف، فقر و فقدان فرصت‌های شغلی به وجود می‌آید (Rahman, 2021: 13). نتایج تحقیقات داخلی و خارجی به‌طور عمده نشان داد که پدیدهٔ گدایی ناشی از عوامل متعددی است که نه تنها به فقر، مذهب، ناتوانی فیزیکی، فرهنگ، فاجعهٔ ملی، جنگ داخلی، عادات بد (اعتیاد ـ الکل و قمار) محدود نمی‌شود، بلکه عوامل

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

محیطی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی نیز در آن دخیل است (Abadi Mesele and Addis, 2020: 128). از نظر اقتصادی به درآمد پایین، اعتبار عقب‌افتاده، بیکاری و فقدان پول برای پرداخت خدمات مختلف نسبت داده می‌شود. علل اجتماعی ـ فرهنگی مانند نابسامانی خانواده، هنجارهای اجتماعی و سبک فرزندپروری نامناسب نیز از دیگر علل اصلی گدایی است (Teweldebrhan, 2011: 78).

تکدی‌گری یکی از شایع‌ترین معضلات اقتصادی و اجتماعی در شهرستان بندرعباس به عنوان قطب اقتصادی کشور است. این شهر ساحلی به دلیل موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خود، جولانگاه متکدیان از داخل و خارج از کشور است. بندرعباس از دیرباز محل رفت و آمد جمعیت از مکان‌های گوناگون بود و این میزان برقراری ارتباط بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن تأثیرگذار بوده‌است. تغییرات فرهنگی در این شهر نیز با ویژگی‌هایی چون کمرنگی فرهنگ‌های اصیل ملی، فراموشی سنت‌های فرهنگی بومی، بی‌توجهی به اثرات تغییر فرهنگ‌ها و جایگزینی فرهنگی سنجیده می‌شود. حضور هر چه بیشتر مهاجران، تغییراتی در ابزارها، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی را به دنبال دارد و این تغییرات به رفتارهای آسیب‌زای گوناگون از جمله تکدی‌گری منجر می‌شود. وضعیت نامناسب حاشیه‌نشینی و محلات پر آسیب و محروم در این شهر، همگی زمینه‌ساز افزایش متکدیان است و بر ضرورت مطالعه در زمینهٔ تکدی‌گری در شهر بندرعباس می‌افزاید. هدف مقالهٔ حاضر، پاسخ به این پرسش است که چه عوامل اجتماعی ـ فرهنگی از دیدگاه شهروندان هیجده سال به بالای شهرستان بندرعباس بر تکدی‌گری مؤثر است.

۲ـ پیشینهٔ پژوهش

پورعارفی و چلیپا (۱۴۰۱)، مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی بر تکدی‌گری» در شهر جیرفت انجام دادند. نتایج بررسی نشان داد که وجود فقر و بیکاری بر تکدی‌گری بسیار تأثیرگذار است؛ زیرا هر چه فقر و بیکاری در یک جامعه زیاد شود به نوبهٔ خود به بروز پدیده‌های زشت اجتماعی از قبیل دزدی، اختلاس، سرقت و تکدی‌گری منجر می‌شود.

ـ نواصر (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان «واکاوی ریشه‌ها و پیامدهای پدیده‌ی تکدی‌گری در شهر اهواز» انجام داد. این پژوهش به روش کیفی بین دوازده زن و مرد متکدی انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که تکدی‌گری در نتیجهٔ مشکلات و چالش‌های اقتصادی به وجود می‌آید و عوامل دیگری از جمله مدیریت ضعیف خانواده، فقدان حمایت نهادی حمایتی (بهزیستی و کمیتهٔ امداد)، اعتیاد و ... در شکل‌گیری این پدیده مؤثر است. در نتیجهٔ این فرایند، پدیدهٔ تکدی‌گری خود پیامدهای اجتماعی و فردی زیادی همچون آسیب‌های روحی و روانی، پیشنهادهای مکرر غیرخلاقی، طرد از خانواده و ... را به همراه دارد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ـ معینی و جهانبازیان (۱۳۹۸)، تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر برگرایش به تکدی‌گری در شهر یاسوج» انجام داد که با روش پیمایش صورت گرفت. نتایج بررسی نشان داد که بین متغیرهای سن، تحصیلات، وضعیت جسمانی، وضعیت تأهل، بعد خانوار، فقر اقتصادی، مهاجرت و تشویق دوستان، تن پروری، ضعف وجدان اخلاقی، فقدان نگرش منفی به تکدی‌گری، فقدان نظارت و کنترل رسمی، فقدان حمایت و تأمین اجتماعی، فقر و بیکاری، تضاد طبقاتی، سابقهٔ تکدی‌گری در خانواده و تکدی‌گری رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. بین جنسیت و تکدی‌گری نیز رابطهٔ معنی‌داری یافت نشد.

ـ سراج‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با موضوع «تبریز، شهر بدون گدا: مطالعهٔ جامعه‌شناختی مواجههٔ شهروندان با پدیدهٔ تکدی‌گری» انجام دادند. این پژوهش به روش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. یافته‌های حاصل از مصاحبه در قالب مدل زمینه‌ای نهایی متشکل از دوازده مقوله تشریح شده‌اند که عبارتند از: فرهنگ کمک‌رسانی، نهادینگی فرهنگ کار، بستر مناسب اقتصادی، اهمیت شأن اجتماعی، روحیهٔ قوم‌گرایانه، حس مسئولیت‌پذیری، ناکارآمدی سازمان‌های رسمی/ حکومتی متولی پوشش‌دهی نیازمندان، نگرش منفی به گدایان، وجود نظام‌های حمایتی مردم نهاد و اعتماد مردم به آنها، کنش مقابله‌ای، رفع معضل تکدی و بهبودی محیط شهری. این دوازده مقوله، بر محور مقولهٔ هسته‌ای «فرهنگ مقابله‌ای» شکل گرفتند.

ـ آبادی مسئله و آدیس[1] (۲۰۲۰)، در تحقیقی با عنوان «علل و پیامدهای اقتصادی ـ اجتماعی گدایی» به این نتیجه دست یافتند که علل عمده‌ای که افراد را به گدایی وادار می‌کند، گسترش گستردهٔ فقر و مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، مشکلات بهداشتی، ناتوانی فیزیکی، بی‌خانمانی، از دست دادن اموال و فقدان خویشاوندان مراقبتی است. علاوه بر این، مرگ والدین، فقدان امنیت سنی و طلاق از دیگر علل گدایی بود.

ـ بوکوی[2] (۲۰۱۵)، تحقیقی با عنوان «شیوع گدایی خیابانی بزرگسالان و کودکان و پیامدهای آن» انجام داد. این پژوهش به روش پیمایش بین صد نفر از شهروندان نیجریه کلان‌شهر سولجا انجام شد. نتایج نشان داد که افراد در سنین مختلف، مشغول گدایی خیابانی شدند که درآن بزرگسالان ۳۲ درصد و بیشترین جمعیت را دارند و بین سن گدایان، درک عواقب گدایی در خیابان، پیشینهٔ اقتصادی ـ اجتماعی و گدایی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

بالتازار و ماسکی[3] (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان «طبقه‌بندی متکدیان خیابانی و عوامل مؤثر بر تکدی‌گری خیابانی» در تانزانیای مرکزی به این نتیجه رسید که پدیدهٔ تکدی‌گری، نتیجهٔ پاره‌ای از عوامل از جمله فقر، بیکاری، مشکلات فیزیکی، مرگ پدر و مادر و فروپاشی خانواده و موارد مشابه است.

1. Abadi Mesele & Addis
2. Bukoye
3. Baltazar & Maseke

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۳ـ ادبیات و مبانی نظری پژوهش

۳ـ ۱ـ تکدی‌گری

در لغت‌نامهٔ دهخدا، تکدی چنین تعریف شده‌است: «عمل گدا، کار گدا، بینوایی، فقر، تنگدستی، درویشی، بی‌چیزی و شکست». تکدی عبارت است از درخواست کمک بدون خدمات متقابل به صورت پول یا کالا از دیگرانی که هیچ وظیفهٔ قانونی در برآوردن این درخواست ندارند و بر این اساس، متکدی کسی است که به چنین عملی می‌پردازد (شکوری و معتمدی، ۱۳۹۱: ۴۲). گدایی به عنوان روشی برای امرار معاش از درآمد سایر بخش‌های جامعه با استفاده از سن، سلامت و شرایط اقتصادی به عنوان وسیله‌ای برای جلب همدردی برای بقا، حل مشکلات موقت و اجرای برخی تعهدات حیاتی و مذهبی تعریف می‌شود (Desalegn, 2017: 9). ادبیات مربوط به گدایی به عنوان مشکل اجتماعی در جهان محدود است؛ از این رو، مکان و زمانی که مشکل گدایی اول رخ داد، به خوبی شناخته‌شده نیست. با این حال، مرجع کتاب مقدس نشان داد که فعالیت‌های گدایی از آغاز امپراطوری یونان و روم وجود داشته‌است. اگرچه فعالیت گدایی هم پدیدهٔ جهانی و هم پدیدهٔ قدیمی است، در کشورهای کمتر توسعه‌یافته فراگیر است (Namwata et al, 2012: 134). تکدی‌گری فرایندی است که به موجب آن متکدی از دست‌رنج دیگران بهره‌مند می‌شود و زندگی می‌گذراند، هر یک از افراد جامعه که نه صاحب حرفه به مفهوم اقتصادی آن است و نه در تولید اجتماعی مشارکت دارد و همواره با شیوه‌های گوناگون دست نیاز به سوی این و آن دراز می‌کند، متکدی نامیده می‌شود (فرخوندی، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

۳ـ۲ـ دیدگاه‌های نظری

در این مقاله، تقابل شهروندان با متکدیان براساس سه دیدگاه نظری کارکردگرایی، برچسب‌زنی (با تأکید بر نظریهٔ زیمل) و ساختاربندی (گیدنز) تبیین می‌شود.

۳ـ۲ـ۱ـ نظریهٔ کارکردگرایی[1]

طبق دیدگاه کارکردگرایی، تکدی‌گری نوعی نماد اجتماعی است که برای کل نظام اجتماعی لازم و مؤثر است. بنابراین، پدیدهٔ تکدی‌گری تنها با نتایجی که برای کل نظام جامعه دارد، تحلیل می‌شود. حضور فقر در جامعه بدین معناست که کارهای کثیف جامعه با هزینهٔ پایین انجام خواهد شد. اوگونکان[2] (۲۰۰۹) معتقد است که وجود متکدیان به اعضای جامعه کمک می‌کند تا به تعهدات اجتماعی، مذهبی و اقتصادی خود عمل کند. از آنجا که بسیاری از ادیان، مردم را به صدقه دادن و کمک به افراد نیازمند تشویق می‌کند، مردم با صدقه دادن به متکدیان به تعهدات مذهبی خود عمل می‌کنند. براساس دیدگاه

1. Functionalism theory
2. Ogunkan

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

کارکردگرایی، در این تحقیق به این موضوع پرداخته شد که تکدی‌گری در جامعهٔ ایران کارکرد مذهبی و معنوی دارد؛ یعنی وجود متکدیان به اعضای جامعه کمک می‌کند تا به تعهدات اجتماعی، مذهبی و اقتصادی خود عمل کنند. از آنجا که دین اسلام مردم را به صدقه دادن و کمک به افراد نیازمند تشویق می‌کند، مردم با صدقه دادن به متکدیان به تعهدات مذهبی خود عمل می‌کنند (حبیب‌پور گتابی، ۱۳۹۶: ۳۲).

۳ـ۲ـ۲ـ نظریهٔ برچسب زنی[1]

برحسب دیدگاه برچسب‌زنی، انحراف مفهومی ساختهٔ جامعه است؛ یعنی گروهی در جامعه با تصویب قوانینی که سرپیچی از آنها انحراف محسوب می‌شود، مفهوم انحراف را می‌سازد. از این نظر، منحرف کسی است که این برچسب (انحراف) به‌طور موفقیت‌آمیزی در مورد او به کار رفته و انحراف عملی است که دیگران آن را چنین تعریف کرده باشند. طبق این نظریه، گروه‌های اجتماعی با وضع قوانینی که تخطی از آنها مستوجب انحراف است، خود باعث ایجاد انحراف می‌شوند. بنابراین، علت انحراف برچسب منفی است که به فرد کج‌رو زده می‌شود. سپس این برچسب در فرد درونی می‌شود و درنهایت نیز فرد براساس آن برچسب عمل می‌کند. برای پیوند نظریهٔ برچسب‌زنی با تکدی‌گری، از نظریهٔ «جامعه‌شناسی صوری[2]» و به‌طور مشخص نظریهٔ «سنخ‌های اجتماعی[3]» جورج زیمل[4] استفاده می‌شود که سهم مهمی در تبیین نقش شهروندان در برساخت و بازتولید سنخ متکدی دارد. زیمل در توضیح سنخ‌های اجتماعی، هر سنخ اجتماعی ویژه را محصول کنش، توقعات و رابطه با کسان دیگری می‌داند که پایگاه ویژه‌ای به او می‌دهد و از او انتظار دارد که به شیوهٔ خاصی رفتار کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۹۷). زیمل به سنخ‌های اجتماعی خاصی قائل است که از جمله آنها می‌توان به بیگانه، فقیر، خسیس، آدم ولخرج و ماجراجو اشاره کرد. طبق نظر زیمل، فقیر یک سنخ اجتماعی است و زمانی پدید می‌آید که جامعه فقر را به‌عنوان یک منزلت اجتماعی به رسمیت بشناسد. از نظر زیمل، کمک به متکدی نوعی احساس تکلیف از سوی شهروند هم نسبت به خود و هم نسبت به فرد متکدی است. در حقیقت، با کمک به متکدی نوعی احساس و القای اخلاقی به فرد دست می‌دهد؛ یعنی هنگامی که عمل مساعدت به متکدی از هر نوعی انجام شود، اگرچه خودانگیخته و فردی و نَه اقتضای هیچ وظیفه‌ای باشد، تکلیفی برای ادامه دادن آن پدید می‌آید؛ تکلیفی که نَه تنها ادعا از جانب کسی است که مساعدت را دریافت می‌کند، بلکه همچنین احساسی است از جانب کسی که مساعدت می‌کند (لوین، ۱۳۹۲: ۲۹۲). در این مقاله، از مفهوم‌سازی زیمل راجع به سنخ فقیر برای توضیح مواجههٔ شهروندان بندرعباسی با متکدیان استفاده شده‌است.

1. Labeling theory
2. Formal sociology
3. Social versions
4. George zemmel

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۳ـ۲ـ۳ـ نظریه ساختاربندی[1]

نظریهٔ ساختاربندی گیدنز[2]، شناخته‌ترین و رساترین کوششی است که در زمینهٔ تلفیق مسائل خُرد و کلان انجام گرفته است و در آن، گیدنز برای حل دوگانه انگاری ساختار و عاملیت، طرحی نو درانداخته‌است و سعی در یکپارچه‌کردن آنها دارد. جان کلام نظریهٔ ساختاربندی مبتنی بر این تصور است که عاملیت‌ها و ساختارها دو رشته پدیدهٔ جدا از هم نیستند که در دو قطب متفاوت جای داشته باشند، بلکه هر دو خصلت ذاتاً دوگانه‌ای را نشان می‌دهند؛ خواص ساختاری نظام‌های اجتماعی هم میانجی و هم پیامد عملکردهایی است که همین خواص را به‌گونه‌ای واگشتی و ارجاعی سازمان می‌دهند (ریتزر، ۱۳۷۹: ۶۰۳). گیدنز بر این باور است که افراد، فعالان جنبش‌ها، دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی و دیگر عاملیت‌ها، عاملان بی‌ارادهٔ ساختارها نیستند، بلکه گسترش روزافزون جریان بازاندیشی چنین قدرتی به این عاملیت‌ها می‌دهد که ساختارهای موجود را نقد و دوباره ساخت‌یابی کند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۲).

در پدیدهٔ تکدی‌گری، سه رویکرد عاملیت‌گرا، ساختارگرا و تلفیقی در بین افراد مشاهده می‌شود. طبق رویکرد عاملیت‌گرا، تکدی‌گری یک فرد از قصور خودِ او سرچشمه می‌گیرد و خود او در فقر و تکدی‌گری‌اش مقصّر است. این رویکرد، فرد متکدی را زائده اجتماعی می‌داند که کارکردی برای جامعه ندارد و نفس حضورش باعث زشتی جامعه می‌شود و هزینه‌هایی را هم بر دوش دولت می‌گذارد. اما در رویکرد ساختارگرا که رویکرد مقابل رویکرد عاملیت‌گراست، ریشهٔ تکدی‌گری فرد به عملکرد دولت‌ها در اجرای فعالیت‌ها و به‌عبارتی روشن‌تر، ایجاد تحولات اقتصادی و اجتماعی در جامعه و ناتوانی دولت‌ها در تحقق عدالت اجتماعی مربوط می‌شود و بنابراین، فرد در این زمینه قصوری ندارد. در رویکرد سوم نیز که به رویکرد تلفیقی معروف است، تکدی‌گری یک فرد هم در قصور و کوتاهی خودِ او ریشه دارد و هم در عملکرد نامناسب دولت. بنابراین، هر دو طرف در این امر مقصرند (حبیب‌پور گتابی، ۱۳۹۶: ۳۵). در مقالهٔ حاضر بر پایهٔ نظریهٔ ساختاربندی گیدنز به این موضوع پرداخته شد که نگرش، گرایش و کنش شهروندان نسبت به متکدی عمدتاً ریشه در کدام رویکرد دارد و شهروندانی که رویکردهای متفاوت عاملیت‌گرا، ساختارگرا و تلفیقی دارند، چه نگرش، گرایش و در نتیجه چه کنشی نسبت به متکدیان دارند.

٤ـ اهداف پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی تکدی‌گری در شهر بندرعباس از دیدگاه شهروندان است.

برای تبیین دقیق‌تر وگویاتر متغیرهای مرتبط با عوامل فرهنگی و اجتماعی، رابطهٔ

1. Theory of structuring
2. Giddens

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

احساس محرومیت اجتماعی، سبک زندگی، مصرف رسانه‌ای، باورهای مذهبی، سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، خرفه‌گرایی و سلامت اجتماعی و متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات، تعلق و طبقهٔ اجتماعی، شغل، درآمد، وضعیت اسکان و منطقهٔ مسکونی) شهروندان با دیدگاه آنان نسبت به پدیدهٔ تکدی‌گری بررسی شد.

۵ـ روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی ـ همبستگی از نوع پیمایشی است. جامعه‌آماری در این تحقیق شامل شهروندان بالای هیجده سال ساکن شهر بندرعباس است که با توجه به جامعه‌آماری و فرمول کوکران ۳۸۴ نفر، به عنوان نمونه آماری و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی برای اجرای پژوهش انتخاب شد. محقق برای دستیابی به اطلاعات موردنیاز، از پرسشنامهٔ استاندارد بهره جست. جمع‌آوری داده‌ها به شیوهٔ نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده انجام شد و در نهایت، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Spss تجزیه و تحلیل شد.

٦ـ یافته‌های پژوهش

٦ـ۱ـ داده‌های توصیفی

یافته‌ها نشان داد که ۵۱/۶ درصد از پاسخگویان در این پژوهش مرد و ۴۸/۴ درصد زن هستند که بیشترین تعداد، در گروه سنی ۳۴-۲۵ سال قرار داشتند و اغلب دارای تحصیلات لیسانس بودند. از بین پاسخگویان، بیشترین فراوانی (۳۴/۱ درصد) شغل آزاد داشتند که درآمد ۳۱/۵ درصد از آنان بین سیزده تا شانزده میلیون تومان بود. همچنین ۴۵/۸ درصد از پاسخگویان در منطقهٔ یک سکونت داشتند و اغلب آنان (۲۸/۱ درصد) بیان کردند که طبقهٔ اجتماعی پایینی دارند. علاوه بر آن، یافته‌های توصیفی نشان داد که سطح تکدی‌گری در شهرستان بندرعباس در حد بالایی قرار دارد. مشارکت اجتماعی و خرافه‌گرایی شهروندان نیز در سطحی پایین است. احساس محرومیت اجتماعی و سبک زندگی نیز در حد متوسط رو به بالا قرار دارد. مسئولیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایهٔ اجتماعی، سلامت اجتماعی و باورهای مذهبی شهروندان در سطح بالایی قرار دارد. پاسخگویان بیان کردند که میزان مصرف رسانه‌ای آنها در حد بسیار بالایی قرار دارد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

٦ـ٢ـ یافته‌های استنباطی

ضرایب رگرسیونی مدل تبیین‌کنندهٔ تکدی‌گری

شاخص‌ها	R	R^2 (ضریب تعیین)	R^2 (ضریب تعدیل)	F	Sig
ضرایب	۰.۴۱۷	۰.۲۷۴	۰.۲۶۷	۲۶.۵۰۰	۰.۰۰۰

متغیرها	سطح معناداری	B	Beta	T
احساس محرومیت اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۷۸۱	۰/۲۳۹	۶/۱۶۹
مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۶	-۰/۰۶۱	-۰/۱۵۰	-۲/۷۷۵
مسئولیت اجتماعی	۰/۰۰۰	-۱/۰۸۵	-۰/۱۹۱	-۴/۹۰۸
اعتماد اجتماعی	۰/۰۰۰	-۰/۷۱۹	-۰/۲۳۴	-۴/۴۵۷
سرمایهٔ اجتماعی	۰/۰۰۱	-۵/۰۰۹	-۰/۱۶۹	-۴/۰۱۵
سلامت اجتماعی	۰/۰۳۱	-۰/۰۹۷	-۰/۱۴۸	-۲/۱۶۱
سبک زندگی	۰/۰۴۶	-۰/۱۳۲	-۰/۱۳۲	-۱/۹۹۸
مصرف رسانه‌ای	۰/۰۰۰	-۰/۳۰۷	-۰/۲۲۲	-۴/۳۸۲
باورهای مذهبی	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۳	-۰/۲۹۳	-۵/۱۱۵
خرافه‌گرایی	۰/۰۰۰	۰/۲۲۵	۰/۲۱۱	۴/۰۴۵

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که میزان F (۱۷/۱۳۲) و میزان معناداری آن برابر با (۰/۰۰۰) است و معناداری کل مدل را نشان می‌دهد. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که متغیرهای فوق، تنها ۲۷ درصد از واریانس تکدی‌گری را تبیین می‌کند. با مقایسهٔ ضرایب رگرسیونی (Beta) مشخص می‌شود که از دیدگاه شهروندان، متغیر باورهای مذهبی بر تکدی‌گری بیشترین تأثیر را داشت. همچنین متغیر احساس محرومیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی نیز در مرتبهٔ دوم و سوم تأثیرگذاری بر دیدگاه شهروندان نسبت به تکدی‌گری جا می‌گیرد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

بحث و نتیجه‌گیری

ـ رابطهٔ احساس محرومیت اجتماعی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

بین احساس محرومیت اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به تکدی‌گری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی زمانی که فرد احساس محرومیت اجتماعی کند، احتمال روی آوردن او به تکدی‌گری بیشتر می‌شود. نظریات در حیطهٔ احساس محرومیت بر این اصل استوار است که در جوامعی که نابرابری درآمد زیاد باشد، یک نوع حقارت و سرافکندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل به ایجاد انگیزه‌های مجرمانه در برخی از این افراد منجر می‌شود. شکاف بین قشر ضعیف و غنی به احساس محرومیت اجتماعی منجر می‌شود که در نهایت پرخاشگری، جرم و سایر رفتارهای انحرافی از جمله تکدی‌گری را به همراه دارد. بنابر نظریات مربوط به احساس محرومیت اجتماعی، احساس نارضایتی و بی‌عدالتی ناشی از فقر و تبعیض اجتماعی سبب بی‌اعتمادی و ناکامی افراد طبقه پایین می‌شود که همین طردشدگی و انزوای اجتماعی به بروز رفتارهای تکدی‌گرایانه می‌انجامد. بنابراین، احساس محرومیت اجتماعی افراد بر بروز رفتارهای تکدی‌گرایانه اثر مثبت و معناداری دارد.

ـ رابطهٔ مشارکت اجتماعی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

بین مشارکت اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به تکدی‌گری رابطهٔ معکوس وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان، گرایش آنان به تکدی‌گری کاهش می‌یابد. مشارکت اجتماعی بر گسترش روابط بین‌گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دلالت دارد که معمولاً خصلتی محلّی و غیردولتی دارند که در قالب سیاست‌های اجتماعی، مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند. بنابراین، هنگامی که همدلی و مشارکت بین اعضای جامعه زیاد شود، انجمن‌ها و سندیکاهای داوطلبانهٔ زیادی برای کمک به اقشار مستضعف راه‌اندازی می‌شوند که همین امر به کمتر شدن تکدی‌گری در شهر منجر می‌شود.

ـ رابطه مسئولیت اجتماعی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

بین مسئولیت اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به تکدی‌گری رابطهٔ معکوس و معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه شهروندان مسئولیت‌پذیرتر باشند، کمتر به رفتارهای تکدی‌گرایانه روی می‌آورند. مسئولیت اجتماعی، یک چارچوب و محدودهٔ اخلاقی است که در آن وظایف مختلفی ـ که تمامی آنها برای جامعه منافعی به همراه دارد ـ برعهدهٔ فرد، سازمان و نهاد خاصی گذاشته می‌شود. شهروندان مسئولیت‌پذیر، جامعه‌گرا هستند، احساس تعلق عاطفی مثبتی به دیگران و جامعه دارند و نوعی التزام عملی به

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به صورت داوطلبانه احساس می‌کنند. همچنین، سرنوشت جامعه برای این شهروندان مهم است و فراتر از وظایف قانونی و مدنی خود، نوعی حس مسئولیت نسبت به جامعه دارند و برای همین سعی می‌کنند در عرصه‌های مختلف اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند؛ بنابراین، همین امر به کمتر شدن تکدی‌گری در شهر منجر می‌شود.

ـ رابطهٔ اعتماد اجتماعی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

بین متغیر اعتماد اجتماعی با دیدگاه شهروندان نسبت به تکدی‌گری، رابطهٔ معنادار، معکوس و قوی وجود دارد. اعتماد اجتماعی شامل سه بعد اعتماد بنیادی، اعتمادی بین‌فردی و اعتماد تعمیم یافته است. منظور از اعتماد بنیادی، اطمینانی است که اغلب موجودات انسانی از پیوستگی و استمرار هویت خود و محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود دارند. اعتماد بین شخصی، شکل دیگری از اعتماد است که خود را در روابط چهره به چهره نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را از بین می‌برد و با کاستن از حالت دفاعی به بسیاری از تعاملات مؤثر منجر می‌شود. اعتماد عام یا تعمیم یافته را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه، جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. همچنین منظور از اعتماد، اعتماد به اکثریت مردمی است که ما آنان را هرگز نشناختیم و نمی‌شناسیم که خود نوعی اعتماد اجتماعی است (ثابت، ۱۴۰۰: ۵۶). در نهایت، همین اعتماد به کاهش تکدی‌گری منجر خواهد شد.

ـ بررسی رابطهٔ سرمایه اجتماعی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

بین سرمایهٔ اجتماعی افراد و گرایش آنان به تکدی‌گری نیز رابطهٔ معکوس و معناداری وجود دارد. پاتنام دو نوع سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی را معرفی کرد. سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار است. در این بعد از سرمایهٔ اجتماعی، بر منابع شخصی محدود مثل پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید می‌شود. این نوع از سرمایهٔ اجتماعی دو کارکرد اساسی می‌تواند داشته باشد؛ یکی اینکه همبستگی اجتماعی و دیگر اینکه بده بستان‌های خاص درون‌گروهی را تقویت می‌کند (Cattel, 2001: 1504). در مقابل، سرمایهٔ اجتماعی برون‌گروهی به آن نوع ارتباطاتی اشاره دارد که در بین افراد به جای اتکا به نزدیکی‌های شخصی و هویت مشترک، بر علایق مشترک متکی است. این نوع از سرمایه به صورت خاص به پیوند اجتماعات و افراد با سیستم رسمی اشاره دارد و کارکرد اصلی آن، تسهیل انتشار اطلاعات و تقویت اتصال با منابع خارجی است (Stone and Hugest, 2001: 45). بنابراین، پیوند دوستی و همبستگی فردی و اجتماعی بیشتر سبب کمک به یکدیگر می‌شود که در نهایت، نیاز به تکدی‌گری در بین شهروندان طبقهٔ پایین کمتر احساس می‌شود. بنابراین، با افزایش سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی افراد می‌توان رفتارهای تکدی‌گرایانه را کاهش داد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

ـ رابطهٔ سلامت اجتماعی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

بین سلامت اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به تکدی‌گری رابطهٔ معکوس و معناداری وجود دارد. سلامت اجتماعی، احساسات، افکار و رفتارهای افراد را که بیانگر رضایت فرد از شبکه و محیط اجتماعی یا فقدان این رضایت است، دربرمی‌گیرد. محتوای مقیاس سلامت اجتماعی طیف مثبتی از ارزیابی فرد از تجانس در جامعه است. کییز، سلامت اجتماعی را ارزیابی شرایط و عملکرد فرد در جامعه می‌داند و شاخص‌های سلامت اجتماعی را مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انطباق اجتماعی عنوان می‌کند. بنابر آنچه گفته شد، هنگامی که فرد از کیفیت زندگی، محیط اجتماعی و غیره رضایت خاطر داشته باشد، به مشارکت و انسجام اجتماعی می‌پردازد که در نهایت به انطباق، پذیرش و شکوفایی اجتماعی بیشتر منجر می‌شود. هنگامی که ابعاد سلامت اجتماعی نظیر مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انطباق اجتماعی در سطح مطلوبی باشد، تجانس و عملکرد داوطلبانهٔ شهروندان بیشتر می‌شود که این امر به مرور می‌تواند تکدی‌گری را کاهش دهد

ـ رابطهٔ سبک زندگی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

نتایج آزمون، وجود رابطهٔ معکوس بین سبک‌زندگی افراد و گرایش آنان به تکدی‌گری را از دیدگاه سایر شهروندان نشان می‌دهد. شهروندان هجده سال به بالای شهر بندرعباس با مشارکت در این پژوهش معتقد بودند افرادی که سبک زندگی مطلوب‌تری دارند و بیشتر به کیفیت زندگی اعم از خوراک، پوشاک و ورزش و غیره اهمیت می‌دهند، کمتر امکانِ دارد که به رفتارهای تکدی‌گرایانه گرایش داشته باشند. سبک زندگی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از کلیهٔ امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است. این امور می‌تواند شامل دارایی‌ها، الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، مصرف، فعالیت‌های فراغتی و سرگرمی، پوشش و مدیریت بدن، نحوهٔ غذا خوردن و دکوراسیون منزل و غیره باشد که امور و رفتارهایی بیرونی و قابل مشاهده‌اند. سبک زندگی، هم الگوهای مصرف را دربرمی‌گیرد و هم قدرتی که به واسطهٔ مصرف کسب می‌شود. از نظر وبلن و بوردیو، سبک زندگی معمولاً با طبقهٔ اقتصادی – اجتماعی پیوند دارد و در تصویری که از فرد ساخته می‌شود، بازتاب می‌یابد. بنابراین، شهروندان معتقدند هر چه سبک زندگی افراد ارتقا یابد، رفتارهای منفوری که عزت نفس آنان را زیر سؤال می‌برد، کمتر انجام می‌شود. بنابراین، بین سبک زندگی و رفتار تکدی‌گرایانه رابطهٔ معکوس و معنادار قوی وجود دارد.

ـ رابطهٔ مصرف رسانه‌ای و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

بین مصرف رسانه‌ای و دیدگاه شهروندان نسبت به تکدی‌گری، رابطهٔ معکوس و معناداری وجود دارد. براساس مدل شبکه‌های اجتماعی مجازی اینگهارت، متغیرهای

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

مختلف، نوع استفادۀ ما از شبکه‌های مجازی را مشخص می‌سازد و از سوی دیگر، زمینۀ گرایش به انتخاب سبک زندگی را برای افراد ایجاد می‌کند. گربنر رسانه‌های جمعی را یک عامل اجتماعی شدن می‌داند و معتقد است رسانه‌های جمعی نگرش‌ها و ارزش‌هایی را پرورش می‌دهند که معمولاً در فرهنگ وجود دارد. رسانه‌ها این ارزش‌ها را در میان اعضای یک فرهنگ گسترش می‌دهند تا مردم را به هم‌دیگر پیوند دهند و نزدیک‌تر کنند. گربنر پیش‌بینی می‌کند که رسانه به‌ویژه تلویزیون به دلیل ماهیت نظام‌مند پیامش و پایداری‌اش در طول زمان، تأثیر قدرتمندی دارد و به همین دلیل، وی رسانه‌ها را شکل‌دهندۀ جامعه می‌شناسد. بنابراین، همین امر سبب کاهش میزان تکدی‌گری می‌شود.

ـ رابطۀ باورهای مذهبی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

نتایج آزمون، بیانگر وجود رابطۀ معکوس و معنادار بین باورهای مذهبی و دیدگاه شهروندان نسبت به تکدی‌گری است. نتایج مطالعاتی همچون نظری و همکاران (۱۴۰۱)، ترکی (۱۳۹۵) و فرخوندی و همکاران (۱۳۹۴) با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. دین مبین اسلام، تکدی را به عنوان یکی از کسب‌های منفور اعلام کرده و آن را سخت مورد مذمت و سرزنش قرار داده‌است. اسلام دستور داده‌است که مردم تن به مذلت و خواری ندهند، خود را زبون و پست نکنند، دست گدایی به این و آن دراز نکنند، تا می‌توانند زیر بار منت کسی نروند و چیزی خواهش نکنند. در دین اسلام همان‌گونه که گدایی کردن مذموم شمرده شده، گداپروری نیز امری مذموم است؛ چرا که نتایج مفیدی برای اجتماع نخواهد داشت. بنابراین، در دین اسلام تکدی‌گری مورد نکوهش قرار گرفته‌است. در روایتی امام صادق از پیامبر (ص) نقل کردند: «خداوند تبارک و تعالی، صفت گدایی از دیگران را دشمن می‌دارد و دوست دارد که از خودش درخواست شود و هیچ عبادتی به درگاه خداوند دوست داشتنی‌تر از این نیست». با توجه به مطالب ذکر شده، افراد دیندارتر کمتر به رفتارهایی نظیر تکدی‌گری روی می‌آورند.

ـ رابطۀ خرافه‌گرایی و دیدگاه شهروندان به تکدی‌گری

بین خرافه‌گرایی و تکدی‌گری رابطۀ مثبت و معناداری وجود دارد؛ شهروندان بر این باورند که هر چه افراد بیشتری به باورهای خرافی تمایل داشته باشند، بیشتر به رفتارهای انحرافی از قبیل تکدی‌گری روی می‌آورند. خرافه به معنای اقدامات تکراری، رسمی، پی درپی و متمایز از عملکردی که فرد معتقد است، در کنترل شانس یا عوامل بیرونی دیگر قدرتمند است. رفتارهای خرافی افراد، از نوع اندیشه و طرز تفکر آنان تأثیر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، کسانی که رفتارهای خرافی انجام می‌دهند، در ژرفای اندیشه نیز به درستی و عقلانیت این اعمال اعتقاد دارند. بنابراین افراد متکدی، در اندیشه و باور خود گدایی را راه حلی برای عبور از مشکلات معیشتی می‌دانند. همچنین یکی از علل اصلی گرایش به خرافات از ابتدای زندگی بشر تا کنون، احساس ناامنی وی به وقایع پیرامونش است؛

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

هنگامی که افراد نسبت به وقایع و آینده احساس امنیت نداشته و به‌طور مداوم درگیر باورهای خرافی باشند، این باور در اعمال آنها نیز نمود می‌یابد. پس می‌توان نتیجه گرفت که هر چه افراد به خرافه‌گرایی بیشتر روی آورند، به همان نسبت امکان دارد بیشتر به سمت رفتارهای تکدی‌گرایانه گرایش داشته باشند.

ذکر این امر لازم است که نتایج رگرسیونی نشان داد که متغیرهای مورد سنجش در این پژوهش، تنها ۲۷ درصد از واریانس نگرش شهروندان نسبت به تکدی‌گری را تبیین می‌کند. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت از بین متغیرهای تأثیرگذار بر دیدگاه شهروندان نسبت به پدیدهٔ تکدی‌گری، متغیر باورهای مذهبی بیشترین تأثیر را بر متغیر دارد. متغیر احساس محرومیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی نیز در رتبهٔ دوم و سوم این تأثیرگذاری قرار دارد.

پیشنهادات کاربردی

۱ـ با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش در زمینهٔ وجود رابطهٔ معکوس بین مشارکت اجتماعی، سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد اجتماعی و سلامت اجتماعی، لازم است دولت و سازمان‌های مربوطه برنامه و اهدافی برای افزایش همدلی، مشارکت و اعتماد بیشتر افراد انجام دهند.

۲ـ بسیاری از متکدیان افرادی فقیر و بیکارند؛ بنـابراین، اصلاح ساختارهای اقتصادی و به تبع آن ایجاد اشتغال، در کاهش میزان تکدی‌گری تأثیر بسیار مهمی خواهد داشت.

۳ـ شناسایی متکدیان و راه‌اندازی مکانی برای نگهداری آنان.

۴ـ توانمندسازی متکدیان بدین صورت که به متکدیان ـ که توان کار کردن دارند ـ کارهایی متناسب با وضعیت‌شان داده شود و از آنها در کارگاه‌ها استفاده شود تا بتوانند زندگی خود را تأمین کنند.

۵ـ اقدامات فرهنگی ـ تبلیغی برای توجیه جامعه با پیامدهای مختلف تکدی و جلب مشارکت مردم در مبارزه با پدیدهٔ تکدی، و درگیر کردن نهادهایی چون صدا و سیما، آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری، سازمان تبلیغات اسلامی و مطبوعات

۶ـ برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای شناسایی آسیب‌های گدایی و تقبیح آن در افکار عمومی و فرهنگ‌سازی برای عموم و عوام برای کمک نکردن به گدایان و پرداخت نکردن پول یا کالا به آنان؛ زیرا یکی از عوامل اصلی استمرار تکدی‌گری، شیوهٔ برخورد مردم با متکدیان و عادات و افکار آنها دربارهٔ کمک به گدایان است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

منابع و مآخذ

پورعارفی، نوح و چلیپا، رؤیا (۱۴۰۱)، *«بررسی عوامل اجتماعی بر تکدی‌گری در شهر جیرفت»*، هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی.

ترکی، سیمین (۱۳۹۵)، *«بررسی جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر تکدی‌گری در شهر کرمان»*، دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزهٔ علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.

حبیب‌پور گتابی، کرم (۱۳۹۶)، *«رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان»*، فصلنامهٔ مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شمارهٔ ۲: ۵۴ - ۲۹.

ریتزر، جورج (۱۳۷۹)، *نظریهٔ جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: علمی.

سراج‌زاده، حسین، آقایاری هیر، توکل و خضری، نشمین (۱۳۹۶)، *«تبریز، شهر بدون گدا: مطالعهٔ جامعه‌شناختی مواجههٔ شهروندان با پدیدهٔ تکدی‌گری»*، فصلنامهٔ مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شمارهٔ ۱: ۴۷-۲۷.

شکوری، علی و معتمدی، حمید (۱۳۹۱)، *«مطالعه علل اقتصادی ـ اجتماعی مؤثر بر پدیدهٔ تکدی‌گری (مطالعه موردی در شهر مشهد)»*، فصلنامهٔ مطالعات توسعهٔ اجتماعی ـ فرهنگی، سال اول، شمارهٔ ۳: ۶۹-۳۹.

عالمی، مهشید (۱۳۹۹)، *«امکان‌سنجی اثرگذاری عوامل اجتماعی بر تکدی‌گری شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران)»*، هفتمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم اجتماعی، اصفهان.

فرخوندی، امیر؛ پارسی، فاطمه و لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۴)، *«بررسی نگرش جوانان به کج‌روانه و ناهنجار بودن پدیدهٔ تکدی‌گری (مورد مطالعه: جوانان شهرستان شوش)»*، فصلنامهٔ توسعهٔ اجتماعی، دورهٔ سوم، شمارهٔ ۲: ۱۷۴-۱۴۱.

کوزر، لیوئیس (۱۳۸۰)، *زندگی و اندیشهٔ بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: علمی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمهٔ محمدرضا جلائی‌پور، تهران: طرح نو

لوین، دونالد (۱۳۹۲)، *گئورگ زیمل: دربارهٔ فردیت و فرم‌های اجتماعی*، ترجمهٔ شهناز مسمّی‌پرست، تهران: ثالث.

معینی، مهدی و جهانبازیان، صدیقه (۱۳۹۸)، *«بررسی عوامل مؤثر برگرایش به تکدی‌گری در شهر یاسوج در سال ۱۳۹۶»*، فصلنامهٔ مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱ (پیاپی۴): ۳۴-۲۳.

نظری، علیرضا؛ جعفری‌نیا، غلامرضا و پاسالار، حبیب (۱۴۰۱)، *«بررسی ارتباط دینداری و گرایش به رفتارهای متکدیانه در میان زنان متکدی شهر شیراز»*، فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی زن و جامعه، دورهٔ ۱۹، شمارهٔ ۵۰: ۳۲-۱۳.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

نواصر، مریم (۱۴۰۰)، *«واکاوی ریشه‌ها و پیامدهای پدیدهٔ تکدی‌گری در شهر اهواز»*، پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

Abadi Mesele, H and Addis, D (2020), *"Socio-Economic Causes and Consequences of Begging in Dessie City, North East Ethiopia"*, SSRG International Journal of Humanities and Social Science (SSRG-IJHSS), 7(4): 119-130.

Aynshet Wendosen (2017), *Elders engaged in begging as a means of livelihood in Debre Birhan town: An exploration of major push factors and their challenges*, MA thesis, Addis Ababa University, Ethiopia.

Baltazar, M. L. and Maseke, R (2012), *"Categories of street beggars and factors influencing street begging in central Tanzania"*, African study monographs, vol 33, no 2.

Bukoye, R. O. (2015), *"CaseStudy: Prevalenc and Consequencies OfStreets Begging AmongAdults and Children in Nigeria, Suleja Metropolis"*, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 171, 323 - 333.

Cattel, V (2001), *"poor people, poor places and poor health: the mediating role of social networks and social capital, in social science and medicine"*, Soc Sci Med, 52 (10): 1501-16.

Desalegn Mekuriaw (2017), *"Begging in a Fast Growing City: Trends and Situations in Bahir Dar City, Ethiopia"*, Research on Humanities and Social Sciences, Vol 7 (3).

Kassah, K. A (2018), *"Begging as work: a study of people with mobility difficulties in Accra"*, Ghana .Disability & Society, Vol 23, No 2: 163 - 170.

Kumar, Arun (2023), *"Begging as a Social Crime: A Case Study of Haridwar"*, Quest Journals Journal of Research in Humanities and Social Science, Vol 11, No 5: 15-22.

Namwata, BM L, Mgabo, MR and Dimoso, P (2012), *"Categories of street beggars and factors influencing street begging in central Tanzania"*, African Study Monographs, 33(2), 133-143.

Nega, Dagnaw (2019), *"Lived Experiances of Elder Beggars, Their Challenges and Coping Mechanism: The Case of Debre Tabor Town (Unpublished MA Thesis)"*, Bahir Dar, Bahir Dar University.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

Ojo, T. M. and Benson, T. A (2017), *"Street Begging and Its Psychosocial Social Effects in Ibadan Metropolis, Oyo State, Nigeria"*, World Academy of Science, Engineering and Technology International Journal of Humanities and Social Sciences, Vol 11, No 12: 2780-2784.
Rahman, SY (2021), *"The beggar as a political symbol: an interactionist reading of the endurance of anti-begging laws in India"*, Soc Change, 51: 206 - 225. https://doi. org/10.1177 /00490857211012550.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]